



مجموعه مقالات
همایش ملی

ایشان و شهادت

فرمت ها و چالش ها
در حوزه های فرهنگ ، اقتصاد و سیاست

اسفند ۱۳۸۷

جلد دوم



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	کاروان‌های راهیان نور از نظر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد (۱۳۸۷) معصومه محمدحسین زاده - محمود سعیدی رضوانی - حسین باغگلی - محمد آرامجو
۳۹.....	گرایش جانبازان نسبت به مواد مخدر: راه‌حل‌ها و راه‌بردها جهت پیشگیری اکبر علیوردی نیا
۵۹.....	عنصر زبان در رمان‌های دفاع مقدس با تأکید بر پنج رمان غلامرضا پیروز - سیدعلیرضا میرداد
۸۵.....	نگاه اسلام به اقتدار آسیب‌پذیر (مطالعه‌ی موردی فرزندان شاهد) سیدعلی اکبر ربیع‌نجاج
۱۰۵.....	بررسی سلامت روانی جانبازان بالای ۲۵ درصد جنگ تحمیلی شهرستان بابل در سال ۱۳۸۶ احمد دولتخواه - فرزاد خیرخواه - سید رضا حسینی - علیرضا سفیدچیان
۱۲۳.....	راه‌بردهای تقویت فرهنگ ایثار و شهادت بین دانش‌آموزان محسن موحدی
۱۴۵.....	جایگاه اجتماعی همسران شاهد (شهر نیشابور) ✓ طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی
۱۶۷.....	طراحی الگوی غنی‌سازی مفهوم ایثار و شهادت در برنامه‌ی درسی مدارس و دانشگاه‌ها غلامرضا نادری زاده
۱۹۱.....	تمثیل و تشبیه: مفسر ایثارگری و شهادت‌طلبی محمد منصور نژاد

جایگاه اجتماعی همسران شهید (شهر نیشابور)

طاهره جاویدی کلاته-جعفرآبادی*

چکیده

با نظر به این که خانواده‌های شهدا و به‌ویژه همسران و فرزندان شاهد از سرمایه‌های ارزشمند دفاع مقدس می‌باشند از این‌رو این مقاله، شناسایی، و توصیف مسایل و مشکلات اجتماعی همسران شهید شهر نیشابور را کانون توجه خویش قرار داده است. از این‌رو سؤالات اصلی ما در این پژوهش عبارت است از این‌که: جایگاه اجتماعی همسران شهید در شهر نیشابور چگونه است؟ و ما در چنین موقعیتی، در قبال این گروه چه وظایفی بر عهده داریم؟ به منظور بررسی سؤالات اخیر، پژوهشی توصیفی پیمایشی انجام شده است. که جامعه‌ی آماری در این پژوهش همسران شهید شهرستان نیشابور می‌باشد و نمونه‌ی آماری تعداد ۲۰ نفر از همسران شهید است که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری یافته‌های پژوهش، مصاحبه با سؤالات از قبل تعیین شده بوده است.

برخی از نتایج بدست آمده عبارتند از این‌که، بالغ بر ۶٪ از همسران شهید از زندگی خود کاملاً راضی نیستند، بیش از ۷٪ از افراد نمونه به‌گونه‌ای از بیماری‌های جسمانی و روانی آزرده هستند، بیش از ۸٪ از همسران رضایت‌شان از بنیاد شهید در حد متوسط تا خیلی کم می‌باشد، بیش از ۷٪ افراد نمونه از تقدمات واحد مددکاری و مشاوره‌ی بنیاد شهید شهر نیشابور در حل مشکلات‌شان، رضایت کامل نداشتند. بیشترین مشکلات همسران شهید مشکلات اجتماعی است که بر اساس یافته‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها، جایگاه نامطلوب همسران شهید در بین افراد

* استادیار دانشگاه، فردوسی شهید

جایگاه اجتماعی همسران شاهد

(شهر نیشابور)

طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

tjavid@um.ac.ir

چکیده:

با نظر به اینکه خانواده های شهداء و بویژه همسران و فرزندان شاهد از سرمایه های ارزشمند دفاع مقدس می باشند از اینرو این مقاله، شناسایی، و توصیف مسائل و مشکلات اجتماعی همسران شهید شهر نیشابور را کانون توجه خویش قرار داده است. از اینرو سوالات اصلی ما در این پژوهش عبارت است از اینکه: جایگاه اجتماعی همسران شهید در شهر نیشابور چگونه است؟ و ما در چنین موقعیتی، در قبال این گروه چه وظایفی بر عهده داریم؟ به منظور بررسی سوالات اخیر، پژوهشی توصیفی پیمایشی انجام شده است. که جامعه آماری در این پژوهش همسران شهید شهرستان نیشابور می باشد و نمونه آماری تعداد ۲۰ نفر از همسران شهداء است که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. ابزار جمع آوری یافته های پژوهش، مصاحبه با سوالات از قبل تعیین شده بوده است.

برخی از نتایج بدست آمده عبارتند از اینکه، بالغ بر ۶۰٪ از همسران شهداء از زندگی خود کاملاً راضی نیستند، بیش از ۷۰٪ از افراد نمونه به گونه ای از بیماریهای جسمانی و روانی آزرده هستند، بیش از ۸۰٪ از همسران رضایت شان از بنیاد شهید در حد متوسط تا خیلی کم می باشد، بیش از ۷۰٪ افراد نمونه از اقدامات واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور در حل مشکلات شان رضایت کامل نداشتند، بیشترین مشکلات همسران شهداء مشکلات اجتماعی است که بر اساس یافته های بدست آمده از مصاحبه ها، جایگاه نامطلوب همسران شهداء در بین افراد جامعه و نگاه های ناروا و برخورد های ناشایست آنان از جمله مشکلات اجتماعی این قشر بیان شده است. و بطور کلی مردم جامعه ما با بیش از ۷۰٪ از افراد نمونه برخورد مناسبی ندارند.

نکته مهمی که برآیند این پژوهش می باشد، ظهور سوالات نوینی است. مثلاً این سوال که، چرا با وجود فعالیتهای گسترده سازمان بنیاد شهید انقلاب اسلامی و صرف هزینه های بسیار وضعیت زندگی همسران شهداء اینچنین است؟ برآستی علل این وضعیت به چه

موضوعاتی مربوط می شود؟ آیا سیاستها و برنامه ریزی های مربوطه با واقعیت های موجود (شرایط واقعی زندگی همسران شهداء) تناسب منطقی ندارد؟ آیا کادر اجرایی در عملیاتی کردن سیاست ها و برنامه ریزی ها از درایت و کفایت لازم برخوردار نیستند؟ آیا علل این مشکل به ضعف ارزیابی ها و نظارت دقیق بر فعالیت های در حال انجام این سازمان در ارتباط با خانواده های شهداء مربوط می شود؟ آیا واحدهای مشاوره و مددکاری بنیاد شهید از برنامه های غنی برخوردار نیستند؟ و ... ؟

مقدمه :

با شروع جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹ و دفاع سلحشوران جان بر کف در جبهه های حق علیه باطل، ما گروهی از بهترین افراد امت خود را از دست دادیم، عزیزانی که بسیاری از آنها دارای خانواده، همسر و فرزندان بودند که با شهادت این افراد مشکلات فراوانی در زندگی خانواده های آنان ایجاد گردیده است.

همسران شهدا نزدیک ترین افراد به شهدا بودند و شاهد زندگی و همراه آنها در همه جا و همه حال بودند... آنها در واقع شاهدان همیشگی تمامی لحظات زندگی شهدا بودند (آهنگر سلابنی، ۱۳۸۶، ۱۹۲).

امروزه، همسران شهدا جزء آسیب پذیر ترین قشرهای جامعه هستند. زیرا با از دست دادن همسر علاوه بر داشتن مسؤولیتهای خانوادگی در قبال فرزندان و بعضاً پدران و مادران شهدا، از نظر معنوی نیز دارای مسؤولیت خطیری هستند. با وجودی که معمولاً این قشر برای مواجهه با چنین شرایطی هیچ آموزشی ندیده و هیچ تجربه ای ندارند، اکثریت این زنان با حفظ وقار و ارزش نهادن به شخصیت شهید، با مشکلات خویش بخوبی کنار آمده و مسؤولیت خطیر خود را به انجام می رسانند (فراست، ص ۳۴).

حال که دفاع مقدس پایان یافته و جامعه در آرامش و امنیت به سر می برد، از سویی وظیفه ملی ماست که به وضعیت زندگی این عزیزان به نحو نیکویی رسیدگی نماییم. که در این راستا آگاهی و شناخت کافی از زمینه ها و شرایط خاص زندگی این گروه، و برنامه ریزی های مناسب جهت رفع دشواریها و مشکلات

زندگی آنان و بهبود و ترقی وضعیت زندگی آنان در همه ابعاد فردی (بویژه روحی و روانی)، اقتصادی و اجتماعی از جمله وظایفی است که باید درباره آنان انجام شود (زوایان، ۱۳۷۰).

از سوی دیگر وظیفه دینی ما ایجاب می کند که در قبال این قشر عظیم احساس مسئولیت نماییم. زیرا، هنگامی که رزمنده مسلمانی به شهادت می رسد، در خصوص توجه و رسیدگی به بازماندگان شهدا، خداوند عزوجل می فرماید:

انا خلیفته فی اهله من ارضا هم قدر ارضانی و من استطعهم فقد اسخطنی

من جانشین او در میان خاندانش خواهم بود، هر کس آنان را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته است و هر کس آنان را آزار دهد مرا آزار داده است (بخاری الانوار ج ۱، ص ۱۳).

بر این اساس، تحقیق حاضر بررسی، شناسایی، و توصیف مسائل و مشکلات اجتماعی همسران شهید شهر نیشابور را کانون توجه خویش قرار داده است. از اینرو سؤالات اصلی ما در این پژوهش عبارت است از اینکه: جایگاه اجتماعی همسران شهید در شهر نیشابور چگونه است؟ و ما در چنین موقعیتی، در قبال این گروه چه وظایفی بر عهده داریم؟

پیشینه پژوهش:

شهید انقلاب اسلامی^۱، در کل کشور ۵۳۱۰۷ همسر طبق آمار بنیاد نفر ازدواج مجدد شهید وجود دارد که از این تعداد ۲۴۱۷۶ نموده اند و ۵۱۸۵ نفر همسر مفقود وجود دارد که از این تعداد نفر ازدواج مجدد نموده و ۴۱۰۰ نفر ازدواج ننموده اند. ۱۰۸۵ علی رغم این ارقام زیاد، درصد تحقیقاتی که در باره چگونگی وضعیت زندگی و مسائل و مشکلات این گروه انجام شده است، نسبت به کل تحقیقاتی که در باره موضوع شهادت و مقوله های وابسته می باشد که در اینجا تعدادی به آن صورت پذیرفته کمتر از ۱٪ از آنان ارائه و بررسی می شود.

• دکتر علیرضا فرجاد، آسیب شناس اجتماعی و روان شناس خانواده، زندگی زنان شهدا را همراه با یک خلأ عاطفی شدید می داند و می گوید: «بخشی از نیازهای فکری، عاطفی و طبیعی زنانی که

۱_ منبع: تحلیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی خانواده ایثارگران، نوشته مدیر پایگاه اینترنتی معرفی شهدا و همزمان آنان- 12-2008-<http://www.mardanbeheshi.com/index.php/component/content/article/12-2008>

شوهران خود را در جنگ از دست دادند برآورده نشد که منجر به بروز اختلال فکری و رفتاری در آنها شد. وضعیت زنانی که شوهر خود را در حادثه یا بر اثر مرگ طبیعی از دست داده اند با زنانی که شوهر خود را در جنگ از دست داده اند متفاوت است. تنها نقطه اشتراک آنها احساس تنهایی است که از عوارض آن رنج می‌برند. آنچه بدیهی است آسیب‌پذیری اجتماعی و روانی این افراد است

(<http://www.zanan.co.ir/social/000404.html>).

سکوت و مطرح نکردن مشکلات و موانع از بارزترین جنبه‌های زندگی همسران شهداست. هنوز هم صحبت درباره مشکلات و سختی‌هایی که زنان شهدا چشیدند غریب و دور از ذهن است. فرجاد ورود زنان شهدا به نظام مشاوره را بسیار با اهمیت می‌داند و می‌گوید: «باید با یک سیستم قوی و تخصصی مشاوره این زنان را از خاطرات خود جدا می‌کردیم. می‌توانستیم با تشکیل جلسات عمومی، مثلاً هر سه ماه یک بار، شرایطی را فراهم آوریم تا این زنان مشکلات خود را مطرح کنند. به‌نظرم باید ابتدا به آنها آگاهی می‌دادیم و بعد رهایشان می‌کردیم.»

وی دردهای جسمانی بعضی از این زنان را ناشی از فشار عصبی و استرس می‌داند و می‌افزاید: «اختلالات گوارشی ریشه در استرس‌هایی دارند که به علت فشارهای بیرونی، در خودآگاه یا ناخودآگاه مغز ثبت می‌شوند. نیازهای عاطفی و جنسی انسان از مهم‌ترین نیازهای بشری پس از تغذیه هستند و چنانچه سرکوب شوند، عوارض فیزیولوژیکی و نهایتاً دردهای عصبی ایجاد می‌کنند. اگر امروز زنی دچار این‌گونه دردهای عصبی است، برای جلوگیری از ایجاد آن، باید از ابتدا در کاهش استرس‌ها می‌کوشیدیم (همان).

نگاه و حرف مردم به قول زنان شهدا بیشترین موردی بود که آنها را اذیت می‌کرد.

پرینوش صنیعی، نویسنده کتاب سهم من که در بخشی از آن به شرایط جامعه در زمان جنگ پرداخته، در مورد وضعیت همسران شهدا می‌گوید: «جامعه‌ای سالم است که بتواند افرادش را شاد نگه دارد و شور و نشاط زندگی را در آنان ایجاد کند. این نکته در جامعه ما در نظر گرفته نشد و در مورد همسران شهدا

عکس آن عمل شد. این زنان در جوانی تجربه تلخی را گذرانده اند. کمک‌هایی هم که به آنها می‌شد متأسفانه چون در اکثر موارد با احساس ترحم توأم بود، برای این زنان و فرزندان‌شان بسیار آزاردهنده بود. البته فکر می‌کنم زنانی که زمینه مذهبی قوی داشته باشند آرام‌تر هستند و راحت‌تر شرایط را می‌پذیرند. البته چه آنان که عقاید مذهبی قوی دارند و چه آنان که از اعتقادات محکمی برخوردار نیستند، هر دو هزینه‌هایی پرداخته‌اند. ارتباط اینها با جامعه سخت است. در حالی با مسائل و مشکلات روزمره می‌جنگند که دائماً زیر نگاه دیگران‌اند.»

● دفتر تحقیق و پژوهش اداره تحقیقات و مطالعات در یک کار پژوهشی، در سال ۱۳۷۷ به بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و شهر تهران پرداخته است. این خانوادگی همسران شهدا و مفقودین مسئولان محترم بنیاد شهید تحقیق نشان می‌دهد که، علیرغم تصور وضعیت و مسکن که خانواده‌های شهدا و مفقودین را از نظر فاقد مشکل می‌دانستند، عمده‌ترین نگرانی و مشکل اقتصادی دو زمینه است و در عین حال آنان خواستار اینان در همین و مفقودین را برخوردار مناسب بوده‌اند که خانواده‌های شهدا و امدار خویش ندانند. یکی دیگر از انتظارات همسران شهدا و است‌بنیاد برای امر ازدواج فرزندان بوده مفقودین کمک

(<http://www.mardanbeheshti.com/index.php/component/content/article>).

همچنین طبق یافته‌های این تحقیق: ۱- همسران شهدا در زمینه اموال و ارثیه همسر مشکلات بیشتری داشته‌اند. گرچه تفاوت آنها با همسران مفقودین در این زمینه معنادار نبوده است. ۲- ۹۷ درصد پاسخگویان، حضانت فرزندان خویش را بر عهده داشته‌اند و ۳ درصد فاقد این حق بوده‌اند و در نتیجه تفاوت معنادار میان دو گروه، تأیید نگردید.

۳- همسران شهدا و مفقودین در زمینه مشکلات تحصیلی فرزندان و مردودی آنان تفاوت معناداری نداشته‌اند و عوامل نگرانی آن‌ها کما بیش یکسان است.

● تحقیقی دیگر تحت عنوان: بررسی نگرش والدین، همسران و فرزندان شهدا از نحوه توزیع و میزان اثربخشی خدمات فرهنگی بنیاد شهید در استان فارس توسط شهره آمالی خامنه در سال ۱۳۸۱ انجام شده است. هدف اصلی پژوهش، بررسی وضعیت موجود به منظور بهتر شدن

کیفیت نحوه ارائه خدمات و در صورت لزوم، انجام تغییراتی در جهت کسب رضایت بیشتر افراد تحت پوشش بوده است. پژوهش از نوع توصیفی پیمایشی است. خانواده های شاهد استان فارس جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهند و ۱۲۶۵ نفر به عنوان نمونه به روش تصادفی انتخاب شده-اند. ابزار تحقیق شامل، دو پژوهشنامه محقق ساخته است. اطلاعات به دست آمده توسط روشهای آماری مناسب (فراوانی - درصد، آزمون t، آنالیز واریانس، مجذورخی، آزمون توکی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان داد: در کل استان مجموعاً همسران، فرزندان، والدین شهدا از خدماتی نظیر: استقبال مسئولین بنیاد شهید پیگیری و رسیدگی به تقاضای مراجعین، محتوای آموزشی، نوع رشته تحصیلی با استفاده از سهمیه شاهد و پیشرفت تحصیلی و حمایتی بنیاد از تحصیل در دانشگاه، آموزش خیاطی، بافندگی، آموزش قرآن، آموزش سرود، آموزش خانواده، فعالیتهای مشاوره ای و مددکاری و روانپزشکی، امکانات مسکن، راضی بودند. اما از آموزش رایانه و ماشین نویسی چه از نظر محتوا، کادر آموزش و نیز فضای آموزشی این رضایتمندی وجود نداشت. نتایج کلی همچنین نشان داد: همسران در مجموع، بیشتر از فرزندان و والدین از خدمات فرهنگی رضایت داشتند و فرزندان کمترین میزان رضایتمندی را نشان دادند. در فرزندان بین دختر و پسر تفاوتی مشاهده نشد. افرادی که در سطح تحصیلات بالا بودند برخی از این خدمات را نسبتاً رضایتبخش ارزیابی کردند.

● پژوهشی دیگر تحت عنوان: نیازسنجی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خانواده های معظم شاهد، توسط حسین دهستانی اسفندآبادی در سال ۱۳۸۳ انجام شده است. جامعه ی آماری این پژوهش، کلیه ی همسران و فرزندان شهدای سراسر کشور می باشد (۲۰۵ هزار و ۵۶۳ نفر) که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب از استان های تهران، فارس، اصفهان، همدان، زنجان و گیلان ۱۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده اند. پرسشنامه ی محقق ساخته، به عنوان ابزار تحقیق به کاررفته و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی، شامل فراوانی، درصد و خی دو صورت گرفته است. یافته های پژوهش حاضر، حاکی از آن است، ۸۱ درصد از خانواده های معظم شهدا نیاز فرهنگی بالایی دارند؛ در حالی که تنها ۹ درصد، نیاز فرهنگی خود را در حد پایین اعلام کرده اند و نیاز سایرین در این مقوله در حد متوسط بوده است. در مجموع، نیازهای فرهنگی و اجتماعی در اولویت بالاتری قرار دارند، اولویت اول نیازهای خانواده های معظم شاهد در استان های همدان و زنجان فرهنگی، در استان

هاي فارس، اصفهان و گيلان اجتماعي و تنها در استان تهران اولويت نخست، اقتصادي بوده است.

• همچنين تحقيقي ديگر تحت عنوان، بررسي ميزان افسردگي در همسران شهيد شهرستان شيراز توسط معصومه عليپور، و مهدي رعيتي نژاد است در دانشگاه شيراز انجام شده است. جامعه آماري مشتمل بر همسران شاهد شهرستان شيراز مي باشد که تعداد آنها ۱۰۰۰ نفر است. ۱۳۳ نفر به روش نمونه گيري تصادفي انتخاب شده اند. جهت انجام پژوهش مزبور از پرسشنامه افسردگي بک استفاده گرديده است. در تجزيه و تحليل آماري از آناليز واريانس، تست و ضريب همبستگي پيرسون استفاده شده است. نتايج حاكي از آن است که: به طور کلي حدود (۷۲/۴٪) از همسران شهيد به نوعي دچار افسردگي خفيف تا شديد بودند و ميزان افسردگي در همسران شهيد شهرستان شيراز نسبت به گروه کنترل بيشتر است. همچنين بين ميزان افسردگي در همسران شهيدي که شاغلند و کسانی که شاغل نيستند، اختلاف معناداري وجود داشت. همچنين بين ميزان افسردگي در همسران شهيد و سالهاي گذشتن از شهادت همسر، طول مدت زندگي مشترک، سن آنها در زمان شهادت و سن آنها در حال حاضر تفاوت معناداري وجود نداشت که نشان دهنده آن است که ميزان افسردگي همسران شهيد، با اين فاکتورها ارتباطي ندارد.

• زهرا عباسپور نيز در سال ۱۳۷۰ به بررسي وضعيت رواني، اجتماعي همسران متأهل و مجرد شهدا پرداخته و با استفاده از آزمون افسردگي آنها را از اين نظر مورد بررسي قرار داده است، او در تحقيق خود به اين نتيجه رسيد که افسردگي در همسران متأهل شاهد بالاتر از همسران مجرد شاهد مي باشد و تمايل به جيج و فرياد زدن، احساس بيزاري از زندگي و احساس خود کم بيني نمود هايي از ضعف حالات رواني آنان مي باشد.

• تحقيقي ديگر تحت عنوان بررسي وضعيت رضامندي همسران شاهد از واحد مددکاري و مشاوره بنياد شهيد شهرستان زنجان توسط شيرين داودي زنجاني در دانشگاه شاهد انجام گرفته است. هدف تحقيق، شناخت وضعيت رضامندي همسران شاهد از واحد مددکاري بنياد شهيد شهرستان زنجان و بررسي نحوه ارتباط متغيرهاي نظير سن، ميزان تحصيلات، شغل، داشتن فرزند، نوع جنس فرزندان، زندگي کردن فرزندان با مادران، تعداد افراد خانواده، متأهل و مجرد بودن فرزندان، ... با ميزان رضامندي همسران شاهد بوده است. تحقيق، توصيفي و از نوع پيمائشي مي باشد. جامعه مورد مطالعه در اين تحقيق، ۱۵۰ نفر همسران شهيد ساکن شهر زنجان هستند و به واحد مددکاري و مشاوره مراجعه کرده اند، مي باشد. حجم نمونه در اين تحقيق، ۱۵۰ نفر بوده که به طريق سرشماري يعني تمامي افراد جامعه مورد سنجش قرار گرفته است. ابزار جمع آوري اطلاعات مصاحبه، همراه با تکميل پرسشنامه مي باشد که در

روش تحقیق آن را مصاحبه ساخته شده می‌نامند. روش آماری مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل آماری، جداول توزیع فراوانی و درصد می‌باشد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که: در مورد خدمات واحد مددکاری در رابطه با مشاوره تحصیلی فرزندان (۴۹%) خانواده‌ها راضی بوده‌اند و در مورد رضایت در زمینه رفع مشکلات پیش‌آمده (39/4%) همسران ناراضی و در مورد رضایت از نحوه بازدید منزل مددکاران از منزل آنها (۷/۴۰%) ناراضی و در مورد رضایت از خدمات واحد مشاوره (۷/۶۰%) آنها راضی بوده‌اند. در کل می‌توان گفت که رضایت قابل توجهی از تمامی خدمات واحد مددکاری و مشاوره بنیاد شهید داشته‌اند. همچنین ملاحظه می‌شود از سویی تحقیقاتی که بطور مستقیم وضعیت زندگی همسران شهدا را مورد بررسی قرار داده باشد بسیار اندک است. و از سوی دیگر، نظر به اینکه تحقیق علی‌پور از همسران شهدا به نوعی دچار ۷۲% و رعیتی‌نژاد نشان می‌دهد افسردگی هستند، ضرورت انجام تحقیقاتی که چگونگی زندگی همسران شهدا را ترسیم نماید، محرز می‌گردد. از اینرو، بررسی و بحث در باره یافته‌های پژوهش حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

روش تحقیق:

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی است. زیرا پژوهشگر صرفاً به توصیف وضعیت موجود مبادرت نموده و دخل و تصرفی را در متغیرهای مورد پژوهش انجام نمی‌دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶).

از حیث هدف این تحقیق کاربردی است چرا که در تحقیقات کاربردی هدف پژوهشگر حل مشکل و بهینه نمودن شرایط موجود است. جامعه آماری این پژوهش همسران شهید شهرستان نیشابور می‌باشد و نمونه آماری تعداد ۲۰ نفر از همسران شهداء است که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. ابزار جمع آوری یافته‌های پژوهش مصاحبه با سوالات از قبل تعیین شده بوده است.

برخی از سوالات مصاحبه عبارت بود از:

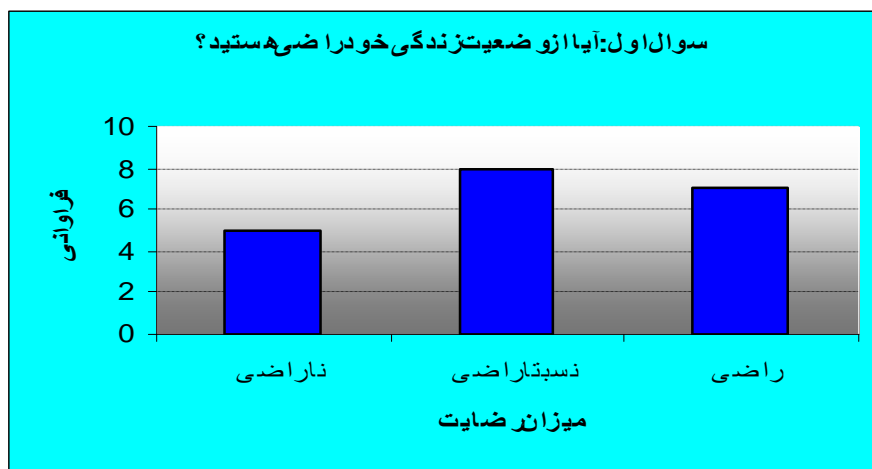
۱. آیا از وضعیت کنونی خود راضی هستید؟ توضیح دهید.
۲. در حال حاضر مشکل اساسی شما چیست؟
۳. آیا بیماری خاصی دارید؟

۴. آیا ارگان بنیاد شهید انقلاب اسلامی شهر نیشابور، برای خانواده شما در حل مشکلاتتان موثر است؟
۵. آیا از واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید که در حل مشکلات خانواده های شهداء اقدام می کند رضایت دارید؟
۶. در کارهای روزمره زندگی چه کسی به کمک شما می کند؟
۷. چگونه جامعه با خانواده شما رفتار می کنند؟

یافته های پژوهش:

پس از اتمام مصاحبه با افراد نمونه و بررسی پاسخ ها و طبقه بندی داده ها، یافته هایی به شرح ذیل بدست آمده است:

در خصوص سوال اول، که آیا از وضعیت کنونی خود راضی هستید؟ همانطور که جدول شماره یک نشان می دهد، ۵ نفر از مصاحبه شوندهگان از وضعیت زندگی خود ناراضی، ۸ نفر نسبتاً راضی، و ۷ نفر راضی بودند.

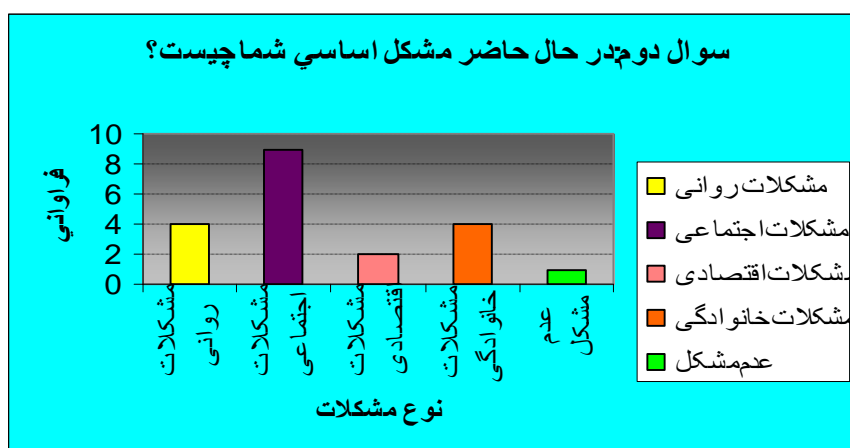


نمودار شماره (۱): میزان رضایت همسران شاهد از زندگی خود

در یک نگاه کلی بر اساس نمودار شماره (۱) اگر افراد گروه یک و دو را با هم در نظر بگیریم، مشخص می شود که بالغ بر ۶۰٪ از همسران شهداء از زندگی خود کاملاً راضی نیستند. بعضی از آنها بیان کردند که ما باید خود به عنوان یک همسر شهید، هم نقش پدر را داشته باشیم و هم نقش مادر را و مشکلات زیادی

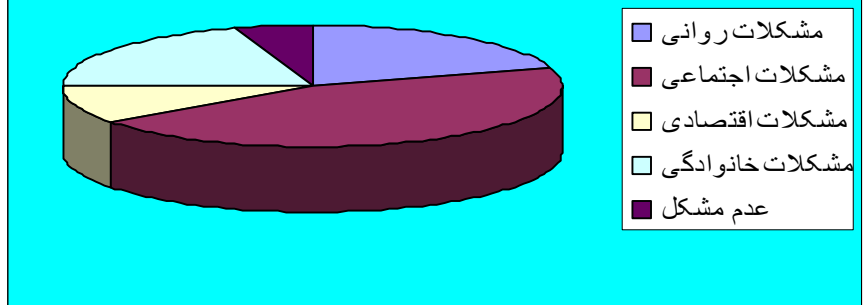
در خانه وجود دارد که فقط به دست ما حل نمی شود. همچنین آنها بیان کردند که ما با شرایط فعلی خود تا حدودی کنار آمده ایم و با مشکلات دست و پنجه نرم می کنیم ولی هیچگاه در موقعیتی نبوده ایم که هیچ مشکلی نداشته باشیم. بنابراین به نظر می رسد بررسی دلایل این نارضایتی و چگونگی حل این مشکل، طی انجام تحقیقات دقیق علمی، حائز اهمیت باشد.

در خصوص سوال دوم که، در حال حاضر مشکل اساسی شما چیست؟ همانگونه که نمودار های شماره (۲) و (۳) نشان می دهند، مشکل اساسی ۹ نفر از افراد نمونه اجتماعی، ۲ نفر اقتصادی، ۴ نفر خانوادگی بوده است و فقط یک نفر اعلام نموده که مشکل اساسی ندارد.



نمودار شماره (۲): مشکلات اساسی همسران شهدا ۶

سوال دوم: مشکلات اساسي شما چیست؟

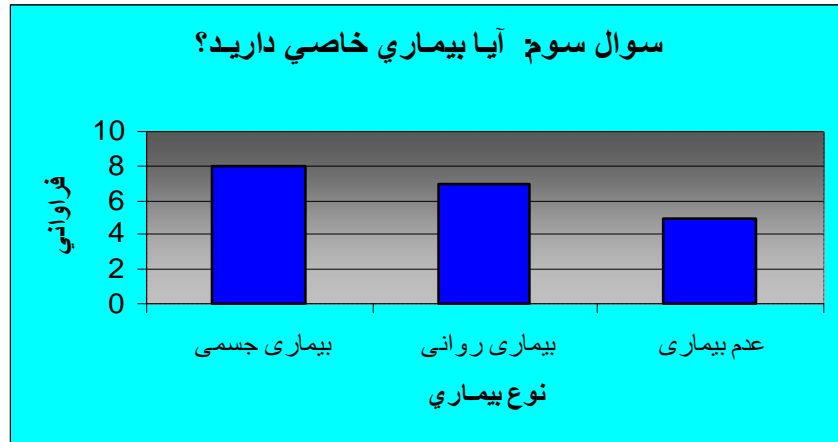


نمودار شماره (۳): مشکلات اساسی همسران شهداء

همانطور که نمودارهای (۲) و (۳) نشان می‌دهد، بیشترین مشکلات همسران شهدا مشکلات اجتماعی است که بر اساس یافته‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها، جایگاه نامطلوب همسران شهدا در بین افراد جامعه و نگاه‌های ناروا و برخورد‌های ناشایست آنان از جمله مشکلات اجتماعی این قشر بیان شده است.

بطور کلی، بر اساس مصاحبه‌ها، علاوه بر نگاه ناروای مردم و حرف‌ها و زخم‌زبان‌های آنها، نداشتن یک سرپناه امن، عدم رفت و آمد خانواده شوهر که بچه‌ها احساس کنند خانواده پدری آنها را تنها نگذاشته‌اند، احساس تنهایی، وضعیت اقتصادی نامطلوب، افسردگی، عصبانیت، از جمله مشکلات اساسی همسران شهداء بیان شده است.

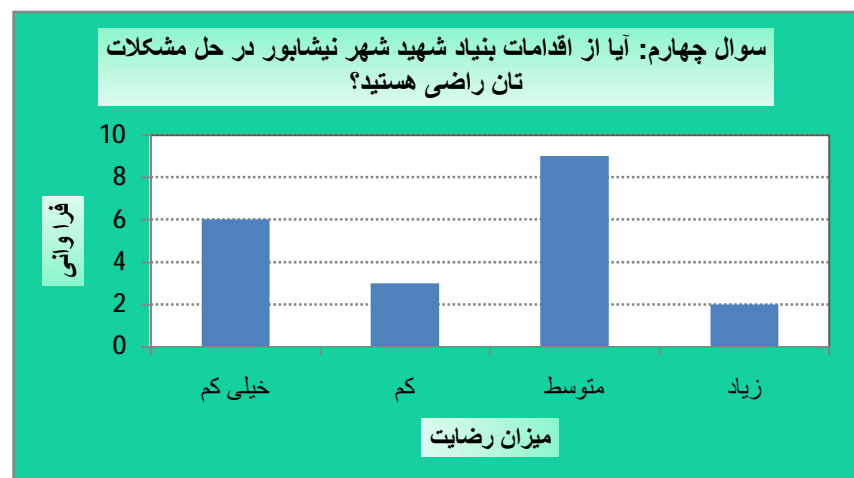
در ارتباط با سوال سوم، که آیا بیماری خاصی دارید یا خیر؟ بر اساس نمودار شماره (۴)، ۸ نفر از همسران شهداء دچار بیماری‌های جسمانی، ۷ نفر درگیر بیماری‌های روانی بودند و ۵ نفر از سلامت برخوردار بودند. بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود بیش از ۷۰٪ از افراد نمونه به گونه‌ای از بیماری‌های جسمانی و روانی آزرده می‌گردند.



نمودار شماره (۴): چگونگی سلامت و یا بیماری همسران شهداء

بر اساس یافته های مستخرج از مصاحبه ها سردرد میگرن، سرد درد های عصبی، سرگیجه و فشار پایین، کمردرد، پا درد، دست درد، زانو درد، ضعیفی دید چشمان، و تپش قلب از شایع ترین بیماری های جسمانی و عصبانیت و داد زدن، از دست دادن روحیه خود، احساس نا امیدی، و وسواس از مهمترین بیماری های روانی همسران شهداء عنوان شده است.

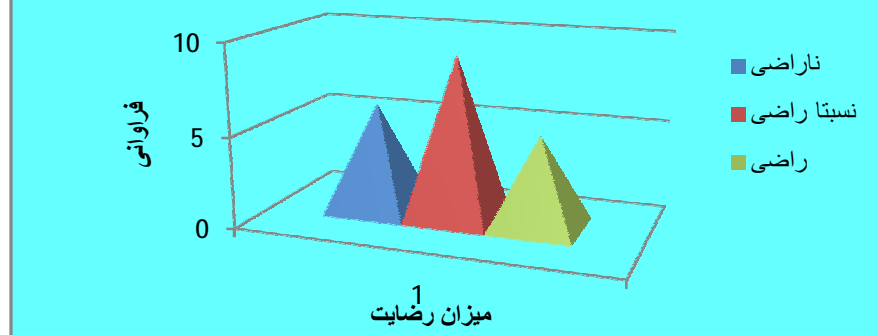
در خصوص سوال چهارم که، آیا اقدامات ارگان بنیاد شهید انقلاب اسلامی شهر نیشابور، در حل مشکلات خانواده شما موثر است؟ همانگونه که نمودار شماره (۵) نشان می دهد، فقط ۲ نفر از ۲۰ نفر از فعالیتهای بنیاد شهید شهر نیشابور کاملاً راضی بودند و ۱۸ نفر دیگر رضایت شان از بنیاد شهید در حد متوسط تا خیلی کم می باشد.



بطور کلی، همسران شهداء در رابطه با نحوه عملکرد بنیاد شهید شهر نیشابور بیان نمودند که ابتدا این ارگان بهتر از اکنون به خانواده ها می رسیدند. اما الان این رسیدگی ها کمتر شده است. مشکلات ما را کمتر حل می کنند و می گویند باید دستور را از مراکز بالاتر یعنی مرکز بیاید تا آن را حل نماید. فقط طی مراسم بزرگداشت و تحلیل از فرزندان ما را دعوت می کنند ولی نمی آیند ببینند مشکلات واقعی ما در زندگی مان چیست؟ و از چه چیز رنج می بریم. یا اینکه، یاد واره های شهدا و مراسم بزرگداشت از شهدای ۸ سال دفاع مقدس ما را دعوت کردند در فرهنگسرای سیمرغ و تحلیل کردند اما نگفتند این تحلیل باید یک سری مصاحبه هایی از ما در باب مشکلاتمان باشد نه فقط جان فشانی شهدای ما. این ستاد بنیاد شهید آنطور که باید به خانواده های شهدا رسیدگی کنند نمی کنند و مسائل و مشکلات ما را بسیار جزئی و کوچک می شمارند. در حالی که خود حتی فکرش هم برایشان غیر قابل تحمل است. یا اینکه بعضی از همسران اظهار کردند که این ارگان تا می تواند در برابر مشکلاتمان شانه خالی می کند و نهادی است که بیشتر اسم شهید را یدک می کشند و رنج این همسران شاهد را نمی بینند. عوامل اجرایی در این ستاد کار خود را به خوبی انجام نمی دهند و احساس مسؤلیت نمی کنند. آن طور که باید به این خانواده ها بها دهند، نمی دهند، آنها می گویند که خانواده های شهدا زیاد هستند و بودجه کافی نیست تا مشکلاتتان را حل کنیم.

در خصوص سوال پنجم که، آیا از اقدامات واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور در حل مشکلاتتان رضایت دارید؟ همانطور که نمودار شماره (۶) نشان می دهد، از اقدامات واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور در حل مشکلات، ۵ نفر از همسران شهداء مورد مطالعه راضی، ۶ نفر ناراضی، و ۹ نفر نسبتاً راضی بودند. که در مجموع می توان اذعان نمود که بیش از ۷۰٪ افراد نمونه از اقدامات واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور در حل مشکلاتشان رضایت کامل نداشتند.

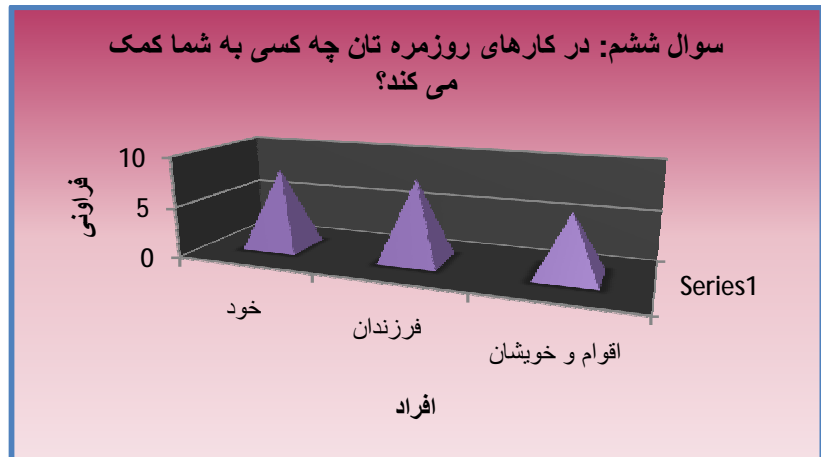
سوال پنجم: آیا از واحد مددکاری و مشاوره بنیاد شهید راضی هستید؟



نمودار شماره (۶): میزان رضایت همسران شاهد از واحد مددکاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور

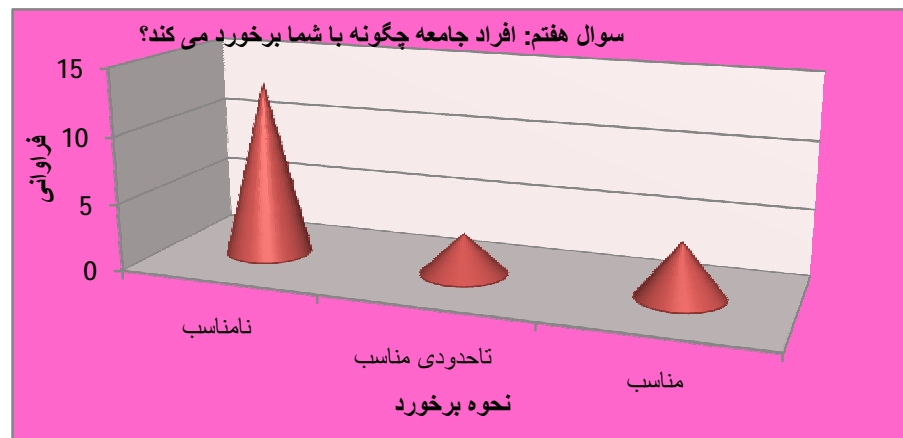
بعضی از اظهارات همسران شاهد در باره چگونگی عملکرد واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور در حل مشکلات عبارت بودند از اینکه: واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور فقط مشکلات ما را یاد داشت می کنند و می گویند بررسی می کنیم اما ما نمی دانیم که آنها را بررسی می کنند خدا می داند. یا اینکه آنها فقط راه حل می دهند و گاه راه حل های آنها درست جواب نمی دهد و بیشتر مشکل را زیاد می کند. بعضی از آنها بیشتر مسائل شخصی خود را بازگو می کنند تا اینکه مسائل و رنج های همسران شاهد را حل نمایند.

در پاسخ به این سوال که در کارهای روزمره زندگی چه کسی به شما کمک می کند؟ همانطور که نمودار شماره (۷) نشان می دهد، ۸ نفر از افراد نمونه خودشان به تنهایی کارهای خویش را انجام می دهند، به ۸ نفر از آنان فرزندانشان کمک می کنند، و به ۶ نفر از همسران شهداء اقوام و خویشان کمک می کنند.



نمودار شماره (۷): در کارهای روزمره زندگی چه کسی به شما کمک می کند؟

در خصوص این سوال که چگونه جامعه با خانواده شما رفتار می کنند؟ همچنانکه نمودار شماره (۸) نشان می دهد، افراد جامعه با ۱۳ نفر از همسران شاهد و خانواده های آنان برخوردی نامناسب، با سه نفر تا حدودی مناسب، و با ۴ نفر برخوردی مناسب دارند. به عبارت دیگر، افراد جامعه با بیش از ۷۰٪ از افراد نمونه برخورد مناسبی ندارند.



نمودار شماره (۸): نحوه برخورد افراد جامعه با همسران شاهد

در این رابطه، برخی از اظهارات همسران شهداء از این قرار بود که، جامعه و دیگران هیچگاه انتظارات ما را بر آورده نکرده اند، این که سر پناهی نداریم و هر کس يك صحبتی می کند و چشمان مردم به مانند ... می ماند که

تعقیب می کند که از صبح به کجا می روی و چه می کنی؟
بطور کلی، در جامعه با خانواده های شهید بسیار معمولی
برخورد می شود حتی در مواقعی بدتر از آدمهای معمولی و
عادی.

نتیجه گیری و بحث:

این مقاله بررسی جایگاه اجتماعی همسران شهداء شهر نیشابور
را کانون توجه خویش قرار داده است. بدین منظور ۲۰ نفر از
همسران شهداء را به شیوه تصادفی بعنوان افراد نمونه انتخاب
و مصاحبه شد که اهم یافته های بدست آمده در بخش پیشین
ارائه شد.

این پژوهش نشان داد که بطور کلی بالغ بر ۶۰٪ از همسران
شهداء از زندگی خود کاملاً راضی نیستند، بیش از ۷۰٪ از
افراد نمونه به گونه ای از بیماریهای جسمانی و روانی آزرده
هستند، بیش از ۸۰٪ از همسران رضایت شان از بنیاد شهید در
حد متوسط تا خیلی کم می باشد، بیش از ۷۰٪ افراد نمونه از
اقدامات واحد مدد کاری و مشاوره بنیاد شهید شهر نیشابور
در حل مشکلات شان رضایت کامل نداشتند، و افراد جامعه با
بیش از ۷۰٪ از افراد نمونه برخورد مناسبی ندارند.

لازم به ذکر است نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش های
علیرضا فرجاد، پرینوش صنیعی، معصومه علیپور، و مهدی
رعیتی نژاد، و زهرا عباسپور همخوانی دارد. با نظر به نتایج
این پژوهش ها و پژوهش حاضر، می توان به صراحت اذعان نمود،
در جامعه ما همسران شهدا از جایگاه اجتماعی مناسبی
برخوردار نیستند. به عبارت دیگر، علی رغم دغدغه های فکری و
تلاش های بی دریغ مسئولان در زمینه خدمت رسانی به این قشر،
همچنان درصد زیادی از همسران شهداء در وضعیت روحی مطلوبی
بسر نمی برند و این گروه با مشکلات زیادی در زندگی شان
مواجه هستند.

بنابراین، نکته مهمی که برآیند این پژوهش می باشد، ظهور
سوالات نوینی است. مثلاً این سوال که، چرا با وجود فعالیتهای
گسترده سازمان بنیاد شهید انقلاب اسلامی و صرف هزینه های
بسیار وضعیت زندگی همسران شهداء اینچنین است؟ برآستی علل

این وضعیت به چه موضوعاتی مربوط می شود؟ آیا سیاستها و برنامه ریزی های مربوطه با واقعیت های موجود (شرایط واقعی زندگی همسران شهداء) تناسب منطقی ندارد؟ آیا کادر اجرایی در عملیاتی کردن سیاست ها و برنامه ریزی ها از درایت و کفایت لازم برخوردار نیستند؟ آیا علل این مشکل به ضعف ارزیابی ها و نظارت دقیق بر فعالیتهای در حال انجام این سازمان در ارتباط با خانواده های شهداء مربوط می شود؟ آیا واحدهای مشاوره و مددکاری بنیاد شهید از برنامه های غنی برخوردار نیستند؟...

ظهور سوالاتی از این سخ مؤید این مطلب است که بنیاد شهید انقلاب اسلامی مسئولیت خطیر دارد که اولاً واحدهای تحقیقات خود را تا جایی که ممکن است به انجام پژوهشهای دقیق علمی به منظور پاسخگویی به این قبیل سوالات ملزم نماید. دوماً، پیشنهاد می شود، فعالیتهای واحدهای مشاوره و مددکاری بنیاد شهید تحت سرپرستی و نظارت دقیق مراکز دانشگاهی و موسسات علمی درآید. چرا که همچنانکه نتایج این پژوهش و سایر پژوهش ها نشان می دهد، همسران شاهد از چگونگی فعالیتهای واحدهای مشاوره و مددکاری بنیاد شهید خیلی راضی نیستند و آنها را در حل مشکلات خود خیلی مؤثر نمی دانند. در حالی که به نظر می رسد بسیاری از فعالیتهای مشاوره ای علمی از قبیل مشاوره های گروهی در رفع و یا حداقل در تسکین آلام بسیار این قشر مؤثر واقع گردد.

با توجه به این نکته که، شمار تحقیقات در باره چگونگی وضعیت زندگی همسران شاهد انگشت شمار است؛ سوماً پیشنهاد می شود که بخش تحقیقات بنیاد شهید انقلاب اسلامی، پرداختن به این موضوع و انجام تحقیقات متعدد و گسترده در خصوص چگونگی وضعیت زندگی همسران شاهد؛ در ابعاد مختلف جسمی، روانی، معنوی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی را وجهه همت خویش قرار دهد.

همچنین، به نظر می رسد، فعالیتهای رسانه های گروهی و بویژه صدا و سیما در بالا بردن سطح شعور و درک مردم در خصوص قدر شناسی از خانواده های شهداء، بویژه همسران شاهد، و چگونگی برخورد شایسته و بایسته با این قشر، می تواند مؤثر واقع شود.

فهرست منابع:

- آهنگر سلابنی، اعظم (۱۳۸۶) همسران شهدا، مروجان اصلی فرهنگ ایثار و شهادت، مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی ترویج فرهنگ و شهادت، دانشگاه مازندران
- بهرامی، احسان (۱۳۷۸)، بررسی مؤلفه های بنیادین سازش یافتگی در آزادگان ایرانی، مجله روانشناسی علمی پژوهشی، قسمت اول، شماره ۱۱، تهران، انتشارات سپاد.
- تجار، راضیه (۱۳۷۶) هفت بن، حوضه هنری تهران.
- تحلیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی خانواده ایثارگران، نوشته مدیر پایگاه اینترنتی معرفی شهدا و همزمان آنان.
- زویان، زهرا (۱۳۷۰) تصویر زن در ده سال داستان نویسی انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، تهران.
- سرمه، زهره / بازرگان عباس و حجازی الهه (۱۳۷۶) روشهای تحقیق در علوم رفتاری، چاپ اول، نشر آگه
- سروی، زهره (۱۳۸۰) بررسی آسیب های روانی-اجتماعی- عاطفی زنان سرپرست خانواده، فصل نامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س) شماره ۳۹، سال یازدهم.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰) جامعه شناسی ترجمه حمید الیاسی، تهران، انتشارات نشر مرکز.
- شادی طلب، ژاله و گرایبی نژاد (۱۳۸۳) فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، شماره ۱، دوره دوم.
- فرجی مژگان (۱۳۸۳) دو میلیون زن بی حامی، نشریه فرهنگ آشتی.
- قائمی، علی (۱۳۷۰) روانشناسی و تربیت کودکان شاهد، تهران، انتشارات بهار.
- کتبی، مرتضی (۱۳۷۷) بررسی مشکلات روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار - مجله حقوقی و قضایی دادگستری.
- مؤید، علی اکبر (۱۳۷۳) بررسی ازدواج مجدد همسران شاهد و تأثیر آن بر وضعیت روانی اجتماعی آنان بر وضعیت سازگاری و مشکلات تحصیلی فرزندان شاهد، پایان نامه کارشناسی رشته روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی شاهد.
- نجاتی، حسین (۱۳۷۱) نقش تربیتی پدر در خانواده، چاپ دوم، تهران، انتشارات ژرف.
- نریان، محمد (۱۳۷۲) غیبت پدر، نشریه شاهد، شماره ۲۲۷، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

ولوي، محمد (۱۳۷۸) شاهدان شهادت، پژوهشي در دیدگاه قرآن سیره نظري و عملي
معصومين (ع). در باره باز ماندگان شهداء، وایتام، تهران، انتشارات نشر شاهد.

ين،ك، رابرت (۱۳۷۶)تحقيق موردی، دكتور علي پارسيان و دكتور سيد علي اعرابي،
تهران، دفتر پژوهش هاي فرهنگي.

<http://www.mardanbeheshti.com/index.php/component/content/article>

<http://www.zanan.co.ir/social/000404.html>

<http://www.mardanbeheshti.com/index.php/component/content/article/12>